

کتاب دانیال - شماره هشتاد و هشت

د درواغجن ناوخته باران برین ډول: د ۲۰۰۱ کال د سپټمبر له ۱۱مې څخه نېوې سفر

Jeff Pippenger

2024-02-21

فرایند آزمونی که با فرود آمدن فرشته آغاز می‌شود، با این آزمایش نمود می‌یابد که آیا کتاب را از دست فرشته گرفته و بخورند یا نه. آنان که خوردن پیام را برگزیدند، سپس برای نومییدی ای مقدر شدند که در آن، گروهی که از خوردن سر باز زدند، بر جای ماندند. کتاب کوچک که می‌بایست خورده شود، نمایانگر «افزایش معرفت» نسبت به پیامی بود که نخست در «زمان آخر» در ۱۷۹۸ یا ۱۹۸۹ مَهرگشایی شده بود، و سپس بعدتر به صورت پیامی رسمی در آمد که نسل زنده در آن هنگام را در برابر نور این معرفت افزوده مسئول می‌ساخت. در هر یک از این دو تاریخ، چون نبوت اسلام به انجام رسید، آنگاه پیامی که در دست فرشته بود تا خورده شود، یا پذیرفته شد یا رد گردید. اگر پیامی که به وسیله کتاب نمایانده می‌شود رد شود، آنان که چنین می‌کنند و در عین حال می‌کوشند ادعای خود را مبنی بر این که همچنان برگزیدگان خدا هستند حفظ کنند، ناگزیر می‌شوند پیامی جعلی از باران آخر پدید آورند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عصیان‌های گذشته نسل‌های ادونتیسیم بار دیگر به موضوعات آزمون تبدیل شدند. فصل دوم حقوق مناظره‌ای را شناسایی می‌کند که در تاریخ نبوی بازنمایی شده در آن رخ می‌دهد، تاریخی که خطی نبوی موازی با مثل ده باکره است. هنگامی که دیده‌بان پرسید در تاریخ مثل ده باکره چه پاسخ دهد، به او فرمان داده شد که «رؤیا را بنویس، و آن را بر لوح‌ها آشکارا ثبت کن». دیده‌بانان تاریخ میلریتی در سال ۱۸۴۲ جدول ۱۸۴۳ را پدید آوردند، و پدید آمدن آن به نشانه‌ای راهنما تبدیل شد. این همان «رؤیا»ی حقوق ۲ بود که بر لوح‌ها آشکارا ثبت شده بود و می‌بایست در انتها سخن بگوید.

اندکی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کسانی که فعالیت اسلام وای سوم را تشخیص دادند، هدایت شدند تا به «راه‌های قدیم» ارمیا بازگردند و در آن‌ها سلوک کنند. آن «راه‌های قدیم» آشکار ساخت که سه وای مذکور در مکاشفه، باب هشت، آیه سیزده، نقش نبوی اسلام را نمایندگی می‌کنند. بلافاصله پس از آن، Future for America شروع به بازتولید دو نمودار باب دوم حقوق کرد، دقیقاً در همان نقطه از تاریخ موازی میلری‌ها که آن دو نمودار به عنوان یک waymark مطرح شده بودند؛ waymarkی که در سال ۱۸۴۲ با تهیه نمودار ۱۸۴۳ به نمایش درآمده بود.

«در ماه مه ۱۸۴۲، یک کنفرانس عمومی در بوستون [ماساچوست] برگزار شد. در آغاز این اجتماع، برادران چارلز فیچ و آپولوس هیل، از هاورهیل، نبوت‌های مصور دانیال و یوحنا را، که آنها را با اعداد نبوی بر پارچه نقش کرده بودند و تحقیقشان را نشان می‌داد، ارائه کردند. برادر فیچ، هنگامی که در برابر کنفرانس از روی نمودار خود توضیح می‌داد، گفت که در حین بررسی این نبوت‌ها با خود اندیشیده بود که اگر بتواند چیزی از این قبیل، چنان‌که در اینجا عرضه شده است، فراهم آورد، موضوع را ساده‌تر خواهد کرد و ارائه آن را برای او به شنوندگان آسان‌تر خواهد ساخت. در اینجا نور بیشتری در مسیر ما بود. این برادران همان کاری را انجام می‌دادند که خداوند در رؤیای حقوق ۲، ۴۶۸ سال پیش به او نشان داده بود، هنگامی که فرمود: «رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن و واضح ساز، تا هر که آن را می‌خواند بدود. زیرا رؤیا هنوز برای زمان معین است.» حقوق ۲:۲»

«پس از اندکی گفتگو درباره این موضوع، به اتفاق آرا رأی داده شد که سیصد نسخه دیگر مشابه این نسخه به شیوه لیتوگرافی چاپ شود، که این کار به زودی انجام گرفت. آن‌ها را «نمودارهای

43' نامیدند. این کنفرانس بسیار مهمی بود.» زندگی‌نامه خودنوشت جوزف بیتس، 263.

«این شهادت متّحد و اعطان و نشریات ظهور ثانی بود، هنگامی که بر «ایمان اصلی» استوار بودند، که انتشار نمودار، تحقق حقوق ۲:۲، ۳ بود. اگر نمودار موضوع نبوت بوده است (و آنان که این را انکار می‌کنند، ایمان اصلی را ترک می‌نمایند)، پس نتیجه می‌شود که ۴۵۷ ق.م. سالی بود که باید ۲۳۰۰ روز از آن تاریخ‌گذاری می‌شد. لازم بود که ۱۸۴۳ نخستین زمان منتشرشده باشد تا «رؤیا» «درنگ کند»، یا اینکه زمانی برای درنگ وجود داشته باشد، که در آن، گروه باکرگان می‌بایست بر موضوع عظیم زمان، درست پیش از آنکه به وسیله ندای نیمه‌شب بیدار شوند، چرت زنند و بخوابند.» جیمز وایت، Second Advent Review and Sabbath Herald، جلد اول، شماره ۲.

«اکنون تاریخ ما نشان می‌دهد که صدها نفر بودند که از همان نمودارهای زمانی‌ای تعلیم می‌دادند که ویلیام میلر تعلیم می‌داد، و همه از یک سنخ بودند. در آن زمان، یگانگی پیام بر یک موضوع واحد استوار بود: آمدن خداوند عیسی در زمانی معین، یعنی ۱۸۴۴.» Joseph Bates, Early SDA Pamphlets, 17

بازچاپ نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ در تاریخ بلافاصله پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، به همان اندازه تحقق حقوق باب دو بود که انتشار نمودار ۱۸۴۳ در سال ۱۸۴۲. تهیه لوح‌ها بخشی از روایت باب دوم حقوق است، و باید واقع می‌شد. در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، عصیان ۱۸۶۳ بار دیگر به وسیله آن ادونتیست‌های لائودیکه‌ای که از بازگشت به «راه‌های قدیم» ارمیا سر باز زدند، تکرار شد.

«دشمن می‌کوشد ذهن برادران و خواهران ما را از کار آماده ساختن قومی برای ایستادن در این ایام آخر منحرف سازد. سفسطه‌های او برای آن طراحی شده‌اند که اذهان را از خطرات و وظایف این ساعت دور کنند. آنان نوری را که مسیح از آسمان آمد تا برای قوم خود به یوحنا بدهد، کم‌ارزش می‌شمارند. تعلیم می‌دهند که صحنه‌هایی که درست در پیش روی ماست، آن‌قدر اهمیت ندارد که شایسته توجهی ویژه باشد. آنان حقیقت با منشأ آسمانی را بی‌اثر می‌سازند، و قوم خدا را از تجربه گذشته‌شان محروم کرده، به‌جای آن علمی کاذب به ایشان می‌دهند.» خداوند چنین می‌فرماید: بر راه‌ها بایستید و ببینید، و از راه‌های قدیم بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید.» [ارمیا 6:16]

«مبادا کسی در پی آن باشد که بنیادهای ایمان ما را برکند؛ بنیادهایی که در آغاز کار ما، به واسطه مطالعه دعاآلود کلام و از طریق مکاشفه، نهاده شد. بر این بنیادها بیش از پنجاه سال است که بنا کرده‌ایم. ممکن است کسانی گمان برند که راهی تازه یافته‌اند و می‌توانند بنیادی استوارتر از آنچه نهاده شده است بگذارند؛ اما این فریبی عظیم است.» «زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است بگذارد.» [1 Corinthians 3:11] در گذشته، بسیاری کوشیده‌اند ایمانی نو بنا کنند و اصولی تازه برقرار سازند؛ اما بنای ایشان چه مدت برپا ماند؟ به‌زودی فرو ریخت، زیرا بر صخره بنیاد نشده بود.» Testimonies, volume 8, 296, 297.

ارمیا تصریح می‌کند که راه رفتن در «طریق‌های قدیم» به یافتن «آرامی» می‌انجامد، و آن آرامی همان «باران آخر» است که آغاز آن زمانی بود که امت‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خشم آمدند، هنگامی که بناهای عظیم شهر نیویورک فرو ریخت. آنان که سپس آن پیام را خوردند، دیدبانان حقوق شدند که می‌بایست «رؤیا را بنویسند و آن را روشن بیان کنند». ارمیا همین دیدبانان را نیز در زمان «آرامی»، که همان «باران آخر» است، معرفی می‌کند.

اینگونه می‌فرماید خداوند: «بر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های قدیم بپرسید که راه نیکو کدام است؛ و در آن سلوک نمایید، و برای جان‌های خود آرامش خواهید یافت.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» نیز دیدبانانی بر شما گماشتم که گفتند: «به آواز کرنا گوش فرا دهید.» اما

ایشان گفتند: «گوش نخواهیم داد.» ارمیا 16:6، 17

شیپوری که ایشان می‌بایست بنوازند، در تاریخ میلریتی شیپور ششم وای دوم است، و در ایام آخر، شیپور هفتم وای سوم. دیدبانان حقوق، که همان دیدبانان ارمیا هستند، پیام اندازی را به صدا درمی‌آورند که در شورش ۱۸۸۸ رد شد. شیپور ششمی که در ۱۸۸۸ رد گردید، همان پیام به لائودکیه بود.

«پیامی که به وسیله ای. تی. جونز و ای. جی. واگنر به ما داده شد، پیام خدا به کلیسای لائودیکیه است، و وای بر هر کسی که ادعا می‌کند به حقیقت ایمان دارد و با این حال پرتوهای عطاشده از سوی خدا را به دیگران منعکس نمی‌سازد.» The 1888 Materials, 1053

پیام شیپور هفتم سال ۱۸۸۸، نخست در سال ۱۸۵۶ به لائودکیه اعلام شد، و سپس پیام لائودکیه در چارچوب نور فزاینده «هفت زمان» قرار گرفت. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دعوت به بازگشت به راه‌های کهن ارمیا و سلوک در آن‌ها به منظور دریافت پیام باران آخر، شامل پیام هشدار شیپور هفتم نیز بود که به‌عنوان پیام به لائودکیه معرفی شده است، و نیز «هفت زمان» که نماد بنیان‌هاست.

«دروغی» که نبوت آن را مشخص می‌کند و سبب آن گمراهی شدید مذکور در نوشته‌های پولس می‌گردد، در سال ۱۹۳۱، شانزده سال پس از مرگ آن نبی، به نسل سوم ادونتیسیم لائودیکیه‌ای وارد شد. آن «دروغ» که در نسل سوم پدیدار شد، از نظر نبوی در دوره‌ای قرار دارد که با «زنانی که برای تموز می‌گریستند» به تصویر کشیده شده است، و از این رو با پیام دروغین باران آخری مرتبط است.

جزئیات چگونگی اشاعه «دروغ» باید درک شود، همچنان که نقش نبوی «دروغ» در نبوت زمان آخر نیز باید فهمیده شود. مردان استهزاکننده‌ای که در اورشلیم، در زمان باران آخر، حکومت می‌کنند - که همان زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است - در نسل سوم ادونتیسیم، پیامی کاذب درباره باران آخر پدید آوردند؛ همان‌گونه که در باب هشتم حزقیال، با «زنانی که برای تموز می‌گریستند» به تصویر کشیده شده است. پیام کاذب آنان درباره باران آخر، همچنین در حزقیال، به صورت بنیادی دروغین، دیواری کاذب برای حفاظت، و پیامی دروغین از صلح و ایمنی نیز نمایانده شده است.

آیا رؤیایی باطل ندیده‌اید و غیبه‌گویی دروغین بر زبان نیاورده‌اید، حال آنکه می‌گویید: «خداوند فرموده است»، با آنکه من سخن نگفتم؟ بنابراین، خداوند یهوه چنین می‌فرماید: چون باطل گفته‌اید و دروغ دیده‌اید، اینک من بر ضد شما هستم، می‌گویم خداوند یهوه. و دست من بر انبیایی خواهد بود که باطل می‌بینند و دروغ غیبه‌گویی می‌کنند؛ ایشان در جماعت قوم من نخواهند بود، و در دفتر خاندان اسرائیل نوشته خواهند شد، و به سرزمین اسرائیل داخل نخواهند گردید؛ و خواهید دانست که من خداوند یهوه هستم. زیرا، آری زیرا قوم مرا گمراه ساخته‌اند و گفته‌اند: «سلامتی»، حال آنکه سلامتی نبود؛ و یکی دیواری بنا کرد، و اینک دیگران آن را با گچ نامرغوب اندودند. به آنان که آن را با گچ نامرغوب می‌اندودند بگو که خواهد افتاد؛ بارانی سیل‌آسا خواهد بارید؛ و شما، ای تگرگ‌های عظیم، فرو خواهید ریخت؛ و باد طوفانی آن را خواهد درید. اینک چون دیوار فرو افتد، آیا به شما گفته خواهد شد: «آن اندودی که بدان اندودید کجاست؟» بنابراین، خداوند یهوه چنین می‌فرماید: من آن را با باد طوفانی در خشم خود خواهم درید؛ و در غضب من بارانی سیل‌آسا خواهد بود، و در خشم من تگرگ‌های عظیم برای نابود ساختن آن خواهد بارید. پس آن دیواری را که با گچ نامرغوب اندودید فرو خواهم ریخت، و آن را به زمین خواهم افکند، به‌گونه‌ای که بنیادش آشکار گردد؛ و فرو خواهد افتاد، و شما در میان آن هلاک خواهید شد؛ و خواهید دانست که من یهوه هستم. بدین‌سان خشم خود را بر دیوار و بر آنان که آن را با گچ نامرغوب اندودند به انجام خواهم رسانید، و به شما خواهم گفت: «دیوار دیگر نیست، و اندودکنندگان آن نیز نیستند»؛ یعنی انبیای اسرائیل که درباره اورشلیم نبوت می‌کنند و برای آن رؤیاهای سلامتی می‌بینند، حال آنکه سلامتی نیست، می‌گویم خداوند یهوه. حزقیال 13:7-16.

دروغ و کذبی که مردان استهزاکننده در اورشلیم در فصل‌های بیست‌وهشت و بیست‌ونه اشعیا خود را زیر آن پنهان می‌کنند، سرانجام به‌وسیله «تازیانه سیلابی» داوری شده و نابود می‌گردد.

و داوری را به ریسمان، و عدالت را به شاغول خواهیم نهاد؛ و تگرگ، پناهگاه دروغ را خواهد روبید، و آب‌ها مخفیگاه را فرو خواهد گرفت. و عهد شما با مرگ باطل خواهد شد، و پیمان شما با هاویه استوار نخواهد ماند؛ چون بلای سیلاب‌وار بگذرد، آنگاه شما از آن پایمال خواهید شد. اشعیا ۱۷:۲۸

۱۸

«تازیانه سرازیر» در اشعیا همان «باران سیل‌آسا» در حزقیال است، که بر کسانی فرو می‌آید که «دروغ را غیب‌گویی کرده‌اند»، از آن رو که «رؤیایی باطل» عرضه می‌دارند و ادعا می‌کنند که «خداوند می‌فرماید»، «حال آنکه» خداوند «سخن نگفته بود». «دروغی» که مردان کهن زیر آن پنهان می‌شوند، به‌صورت چیزی تصویر شده است که مدعی‌اند خداوند آن را گفته است؛ پس آن «دروغی» درباره کلام خداست. یا تعلیمی را از کلام خدا به‌منزله خطا معرفی کرده‌اند، یا به‌خطا ادعا کرده‌اند که خدا فهم ایشان را در باب تعلیمی از کتاب مقدس هدایت کرده است (خدا سخن گفته بود).

«دروغی» که در سال ۱۹۳۱ پدید آمد، این ادعا بود که خواهر وایت دیدگاه نادرست «قربانی دائمی» را در کتاب دانیال تأیید کرده است. این دیدگاه نادرست که «قربانی دائمی» نمایانگر خدمت مسیح در قدس است، بر «دروغی» مبتنی بود که ادعا می‌کرد الن وایت در سال ۱۹۱۰ به A. G. Daniells اطلاع داده بود که دیدگاه او و Prescott درباره «قربانی دائمی»، که آن را نمایانگر خدمت مسیح در قدس می‌دانست، در واقع درست است، با وجود آنکه سخنان مکتوب و صریح خود او خلاف این را بیان می‌کرد.

دیدگاه باطل «دائمی»، که در آن زمان (۱۹۳۱) در ادونتیسیم لائودیکیه‌ای تثبیت شد، به بنیان الهیاتی‌ای بدل گردید که برای بنای پیامی به کار رفت که حزقیال آن را «سلامتی و امان» توصیف می‌کند. استدلال‌های گوناگونی که برای حمایت از آن بنیاد کاذب به کار گرفته می‌شوند، همان سکه‌ها و جواهرات تقلبی گوناگونی هستند که میلر در رؤیای خود دید. تا پایان رؤیای او، جواهرات اصلی او به‌طور کامل با تقلبی‌ها و زباله پوشانده می‌شوند، و زباله و جواهرات و سکه‌های تقلبی نمایانگر آن پیامی هستند که بر خطای بنیادین ایشان بنا شده بود، یعنی این که «دائمی» نمایانگر خدمت مسیح در مقدس است.

در عبارت حزقیال، زباله‌ها و جواهرات تقلبی به‌صورت «دیوار»ی تصویر شده‌اند که با ملاطی چنان سست بنا شده است که در برابر فشار «باد طوفانی» یا «باران سیل‌آسا» تاب پایداری ندارد.

آن نبی نافرمان از یهودا که یربعام را توبیخ کرد، سرانجام میان یک «الغ» و یک «شیر» مرد. شیر نماینده بابل است و الغ نماینده اسلام. آن دو تعلیمی که ادونتیسیم لائودیکیه نمی‌تواند ببیند، و به‌وسیله مرگ آن نبی نافرمان به تصویر کشیده شده‌اند، عبارت‌اند از پیام پاپیت (شیر) و پیام اسلام وای سوم (الغ).

«بادِ توفانی» حزقیال، نمادی از «بادِ تند بازداشته‌شده» در اشعیا است، در «روزِ بادِ شرقی» در باب بیست‌وهفت. «بادِ توفانی» حزقیال همچنین همان «چهار باد» مذکور در باب هفتم مکاشفه است که نگاه داشته می‌شوند تا بندگان خدا مهر شوند. «بادِ توفانی» حزقیال نیز پیام او از «چهار باد» در باب سی‌وهفت است که استخوان‌های خشک مرده را چون لشکری عظیم به حیات باز می‌آورد. «بادِ توفانی» حزقیال که «دیوار بناشده با ملاط ناموافق» را فرو می‌ریزد، پیام باران آخر وای سوم است.

«باران سیل‌آسا»ی حزقیال نمادی از پاپیت است، و به‌طور خاص‌تر نماد دوره بحران قانون یکشنبه است که با قانون یکشنبه به‌زودی واقع‌شونده در ایالات متحده آغاز می‌گردد. آن نبی نافرمان از یهودا

که میان الاغ و شیر جان سپرد، نمایانگر مرگِ آدونتیسم لائودیکیه‌ای است که میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در هنگام ورود الاغ (وای سوم)، و قانون یکشنبه به زودی واقع‌شونده (شیر) رخ می‌دهد. مرگِ آدونتیسم لائودیکیه‌ای در جریان مهر شدن آن یک‌صد و چهل و چهار هزار تن واقع می‌شود؛ مهر شدنی که هنگامی آغاز شد که امت‌ها به خشم آمدند، هرچند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مهار نگاه داشته شدند، و در قانون یکشنبه به زودی واقع‌شونده به پایان می‌رسد. مرگِ ایشان، چنان‌که به وسیله آن نبی نافرمان به تصویر کشیده شده است، از آن رو پدید می‌آید که آنان به روش‌شناسی پروتستانیسم مرتد بازگشتند، با آنکه مستقیماً آگاه شده بودند که هرگز به «مجمع ریشخندکنندگان» بازنگردند.

مرگِ ایشان در تاریخ مهر شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار تن واقع می‌شود. به محض آن که قوم خدا مهر شوند، فرشتگان هلاک‌کننده کار خود را آغاز می‌کنند. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، داوری زندگان در کلیسای خدا انجام می‌پذیرد، زیرا داوری از اورشلیم آغاز می‌شود، و از مشایخ آغاز می‌گردد؛ همان کسانی که می‌بایست نگهبانان قوم باشند، اما در طی چهار نسل مسئولیت‌های خود را ترک کرده بودند. آنان که در آن دوره مهر را دریافت می‌کنند، همان علمی هستند که برای امت‌ها افراشته می‌شود. ایشان پیش از قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد مهر می‌شوند، زیرا تنها راهی که گله دیگر خدا می‌تواند هشدار یابد، این است که در بحران قانون یکشنبه، مردان و زنانی را ببینند که مهر خدا را دارند.

ला संसार ठहराना। दोषी मं वषिय के न्याय अऊ धार्मकिता, पाप के संसार, ह के आत्मा पवतिर के कारज" द्वारा के सच्चाई मन वो, करथे वशिवास मं सच्चाई मन जऊन कसिकथे जा दी चेतावनी ले रीत एही केवल उदात्त, उच्च एक अऊ, करथे आचरण अनुसार के मन सद्विधांत पवतिर अऊ ऊँच, दे दखाई हुए ठहरे पवतिर ला मन आज्ञा ओकर मन जऊन, बीच के मन ओ अऊ मन वाले मानने ला मन आज्ञा के परमेश्वर, मं अर्थ बीच के मन ओ अऊ मन ओ पवतिरीकरण के आत्मा करथे। प्रकट ला रेखा के भेद, देथे रौद तले पांव अपने जाली एक मन जऊन अऊ, हवय हुए कए धारण मुहर के परमेश्वर मन जऊन, करथे चहिनति ला भन्नता के छाप के पशु कजाही दखाई ले रूप स्पष्ट बात ए तब, आही समय के परीक्षा जब मानथे। ला दनि-वशिराम जारी मानना पवतिर ला दनि ए, घलो बाद के लेने सुन ला सच्चाई मन जऊन हवे। पालन के रवविर वो हवे। का वचार के बदलने ला व्यवस्था अऊ समय जेन, करथे धारण ला हस्ताक्षर के मनखे के पाप ओ मन वो, रखथे

" Bible Training School, December 1, 1903. रहसि। करे

مرگِ آدونتیسم لائودیکیه‌ای در خلال تاریخ باران آخر به انجام می‌رسد؛ تاریخی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت نم‌نم آغاز شد، و در قانون یکشنبه‌ای به زودی فرارسانده، بی‌پیمانه فرو ریخته می‌شود، هنگامی که خدا قومی را که برای ابدیت مهر شده‌اند، برپا ساخته و سپس همچون علمی برافراشته است.

در آن دوره زمانی، کسانی در آدونتیسم لائودیکیه‌ای که برای دریافت نشان وحش آماده می‌شوند و آن را خواهند پذیرفت، به وسیله آن بیست‌وپنج مردی که در حزقیال باب هشت در برابر آفتاب سجده می‌کنند، بازنمایی شده‌اند. آنان کسانی‌اند که پیام دروغین «سلامتی و ایمنی» حزقیال را پذیرفته‌اند؛ پیامی که بدلی از پیام راستین باران آخر را مجسم می‌سازد، که در آن تاریخ به وسیله دیدبانان حقیقی اعلام می‌شود. بنیان آن پیام دروغین باران آخر این شناسایی است که «قربانی دائمی» در کتاب دانیال نمادی از مسیح است، حال آنکه در واقع نمادی از شیطان است. آن اعتقاد بنیادی دروغین همان تعلیمی است که «مردان استهزاکننده‌ای که بر قوم اورشلیم حکومت می‌کنند» برای برپا ساختن دیوار اندودناشده خود به کار می‌برند.

شناسایی «قربانی دائمی» به عنوان نمادی از مسیح، از لحاظ تاریخی به وسیله یک «دروغ» در سال ۱۹۳۱ برقرار گردید. از آن زمان به بعد، دیوار ناندود سکه‌ها و جواهرات تقلبی بنا شد. آن «دیوار» مقدر است که فرو ریزد، هنگامی که صاحب جاروب خاک‌روب برای آنکه خرمنگاه خویش را به طور کامل پاک

سازد، فرا رسد. آن تطهیر در دوره نبوی تاریخ، میان «بادِ طوفانی» (اللاغ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) و «رگبارهای سیل آسا» (شیر قانون یکشنبه به زودی آمدنی) انجام می‌پذیرد. در آن تاریخ، نبی نافرمان کشته می‌شود و در قبر نبی کاذب بیت‌ئیل دفن می‌گردد. خواهر وایت «دیوار» نبوت را به عنوان شریعت خدا معرفی می‌کند.

«نبی در اینجا قومی را توصیف می‌کند که در زمانی از ارتداد عمومی از حقیقت و عدالت، می‌کوشند اصولی را که بنیاد ملکوت خداست بازسازی کنند. آنان مرمت‌کنندگان شکافی هستند که در شریعت خدا پدید آمده است—دیواری که او برای حفاظت برگزیدگان خویش پیرامون ایشان قرار داده است، و اطاعت از احکام آن در باب عدالت، حقیقت، و طهارت، باید پاسدار همیشگی ایشان باشد.»

پیامبر با سخنانی که معنای آن‌ها بی‌هیچ ابهامی روشن است، به کار ویژه این قوم باقی‌مانده که دیوار را بنا می‌کنند اشاره می‌نماید. «اگر پای خود را از سبت بازداری، تا در روز مقدس من خوشی خویش را به‌جا نیاوری؛ و سبت را لذت، و مقدس خداوند را محترم بخوانی؛ و او را گرامی داری، نه به‌جا آوردن راه‌های خود، و نه یافتن خوشی خویش، و نه گفتن سخنان خود: آنگاه در خداوند متلذذ خواهی شد؛ و من تو را بر بلندی‌های زمین سوار خواهم کرد، و از میراث یعقوب پدرت تو را خواهم خورانید؛ زیرا دهان خداوند این را گفته است.» اشعیا ۵۸: ۱۳، ۱۴. انبیا و پادشاهان، ۶۷۸.

آغاز نسل چهارم ادونتیسیم، همانند آغاز نسل سوم، با انتشار یک کتاب مشخص می‌شود. نسل سوم با انتشار کتاب W. W. Prescott, The Doctrine of Christ، آغاز شد و آن نسل با انتشار Questions on Doctrine پایان یافت. The Doctrine of Christ انجیلی را عرضه کرد که آگاهانه از پیام نبوی میلریتی تهی بود. Questions on Doctrine انجیلی را عرضه کرد که کار تقدیس را که به وسیله مسیح به انجام می‌رسد، انکار می‌کرد. The Doctrine of Christ نور رؤیای (chazon) از تاریخ نبوی را برداشت، و Questions on Doctrine نور رؤیای (Mareh) از «ظهور» مسیح را برداشت.

در فاصله میان آن دو کتاب، پیام باران آخر کاذب که با «زنانی که برای تمّوز گریه می‌کردند» نمود یافته است، پرورش یافت. در همان تاریخ بود که «دروغ ۱۹۳۱» ترویج شد. آن نسل سوم (مکروه) همچنین با سازش کلیسای سوم پرغامس نیز به تصویر کشیده شده است. نماد سازش در کلیسای سوم، عمل طلب اعتبار از نهادهای دنیوی را مشخص می‌سازد؛ نهادهایی که برای الهیات و برای طب قواعدی تعیین می‌کردند. در نسل سوم بود که سازش با حقیقت به انجام رسید؛ امری که شامل ورود و تأکید بر استفاده از کتاب مقدس‌هایی نیز می‌شد که از نسخه‌های خطی تحریف‌شده ترجمه شده بودند.

در سال ۱۹۵۷، کتاب Questions on Doctrine نمایانگر تسلیم شدن در برابر حقیقت اصلی انجیل بود. آن حقیقت این است که عیسی جان خود را داد تا ما را «از» گناه نجات دهد، نه این که ما را «در» گناه نجات دهد. تعلیم کاتولیکی و پروتستان مرتد که انسان نمی‌تواند از کلام خدا اطاعت کند، استدلال همیشگی شیطان است. انسان می‌تواند، و باید، مطیع کلام خدا باشد، حتی اگر شیطان ادعا کند که «هرآینه نخواهید مرد.» دیدگاه سقوط کرده و مرتد پروتستان که انسان‌ها نمی‌توانند بر گناه غلبه کنند، و از این رو تا زمان بازگشت دوم مسیح نمی‌توانند مطیع شریعت خدا باشند، مگر آن که عیسی به گونه‌ای جادویی ایشان را به روایات‌های مطیع تبدیل کند، در تعالیم کتاب Questions on Doctrine وارد شد.

در سال ۱۹۵۷، نسل چهارم ادونتیسیم لائودیکیه آغاز شد، و دیوار ناملاط آن (شریعت) برپا گردید؛ بدین سان منطقی فراهم شد که به بیست و پنج مرد مشایخ اجازه دهد در پایان زمان مهر زدن

صد و چهل و چهار هزار، در برابر خورشید سجده کنند. آن دیوار ناملاط، که همان اعتقاد به ناممکن بودن نگاه داشتن شریعت خداست، هنگامی فرو ریخته و از میان برداشته می شود که «دیوار» جدایی کلیسا و دولت، در قانون یکشنبه ای در شرف وقوع، برداشته شود. قانون یکشنبه، باران های سیل آسا است، یا چنان که اشعیا بیان می کند، تازیانه طغیان گر است؛ و آن سیلاب، در قانون یکشنبه ای در شرف وقوع در ایالات متحده آغاز می شود.

در هنگام وضع قانون یکشنبه در ایالات متحده، دشمن (پاپ) «چون سیلابی» (بلا طغیان کننده) درمی آید، و در همان هنگام است که «رایت» در برابر او برافراشته می شود. در همان زمان است که «دیوار ناندود» که ادونتیسزم لائودیکیه بر پایه کاربرد نادرست «قربانی دائمی» برپا کرده بود، از میان برده می شود.

بحسب اعمالهم، هكذا يجازي: سخطاً لخصومه، ومجازاة لأعدائه؛ ويجازي الجزائر مجازاة. فيخافون من المغرب اسم الرب، ومن مشرق الشمس مجده. وعندئذ يأتي العدو كالسيل، فيرفع روح الرب رايةً عليه. ويأتي الفادي إلى صهيون، وإلى التائبين عن المعصية في يعقوب، يقول الرب. وأما أنا فهذا عهدي معهم، يقول الرب: روعي الذي عليك، وكلامي الذي جعلته في فمك، لا يزول من فمك، ولا من فم نسلك، ولا من فم نسل نسلك، يقول الرب، من الآن وإلى الأبد. قومي استنيري، لأنه قد جاء نورك، ومجد الرب أشرق عليك. لأنه ها إن الظلمة تغطي الأرض، والظلام الدامس الأمم؛ أما عليك فيشرق الرب، ومجده عليك يرى. فتسير الأمم في نورك، والملوك في ضياء إشراقك. إشعيا 60:3-59:18.

غیرقومیں اُس وقت نور کی طرف آتی ہیں جب خدا کا جلال اُس کی قوم پر ہوتا ہے، اور یہ اُس وقت واقع ہوتا ہے جب دشمن سیلاب کی مانند آگھسے۔ جب وہ دشمن اندر آتا ہے تو خدا اُس کے مقابل ایک علم (نشان) بلند کرتا ہے۔ خداوند کا وہ جلال جو اُن لوگوں پر ہوتا ہے جن کی طرف غیرقومیں متوجہ ہوتی ہیں، اُس کا کردار ہے، اور اُس کا کردار گناہ نہیں کرتا۔ یہ صلح و سلامتی کا ایک جھوٹا پیغام ہے جو یہ تعلیم دیتا ہے کہ مرد اور عورتیں گناہ پر غالب نہیں آسکتے۔ یہ آخری بارش کے بارے میں ایک جھوٹا پیغام ہے جو آخری بارش کے سچے پیغام کے زمانہ میں منادی کیا جاتا ہے، جو 11 ستمبر 2001 کو آیا۔ وہ جھوٹا پیغام خدا کی شریعت کے بارے میں ایک جھوٹا پیغام ہے، جو ”دیوار“ ہے۔ یہ جھوٹا عقیدہ کتاب Questions on Doctrine میں ممثل ہے، جس نے لائودیکائی ایڈونٹ ازم کی چوتھی اور آخری نسل کی آمد کو نشان زد کیا۔

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چہار شورش آدونتیسم لائودیکہ ای فرا رسید تا آن نسل نہایی را با گناہان پدرانشان بیازماید۔ در آن تاریخ، خدا قوم خود را ہدایت کرد کہ بہ راہہای کهن ارمیا بازگردند، تا بتوانند پیام بنیادی ای را کہ بہ صورت جواهرات میلر نمادین شدہ است، درک کردہ و بپذیرند۔ اگر چنین می کردند، باران آخر را می یافتند؛ همان کہ ارمیا آن را «آرامی» نامید۔ دعوت بہ بازگشت بہ راہہای کهن، تکرار همان آزمونی بود کہ بہ شورش ۱۸۶۳ انجامید۔

در یازدہم سپتامبر ۲۰۰۱، کہ همان «روز باد شرقی و باد تند» در اشعیا است، می بایست «سرود تاکستان» توسط کسانی سرودہ می شد کہ در مکاشفہ، باب چہارده، آیہ سہ، و نیز در باب پانزدہ، آیہ سہ، سرود موسی و برہ را می سرایند۔ آن سرود، پیام لائودیکہ است کہ آشکار می سازد قوم برگزیدہ پیشین در آن زمان کنار گذاشتہ می شدند، زیرا خدا در آن هنگام در حال واگذار کردن تاکستان خود بہ مردان و زنانی بود کہ میوہہای مقصود تاکستان را بہ بار آورند۔ آن پیام تاکستان، همان پیام بہ لائودیکہ است، کہ همان پیامی بود کہ جونز و واگنر در شورش ۱۸۸۸ ارائه کردند۔

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، باران اخیر آغاز شد، و در مباحثہ باب دوم حبقوق، طبقہ ای شناسایی می شود کہ پیام دو لوح را عرضه کردند؛ زیرا آنان بہ راہہای قدیم ارمیا بازگشتہ بودند و «آرامی و تازگی» را

دریافت می‌کردند؛ همان چیزی که اشعیا مشخص می‌سازد بر کسانی آورده می‌شود که روش‌شناسی‌شان «حکم بر حکم» است. مباحثه‌ای که ایشان در آن درگیر بودند، در مخالفت با پیام کاذب بارانِ اخیر بود که با «زنانی که برای تموز می‌گریستند» به تصویر کشیده شده است؛ پیامی که قوم خفته لائودکیه را با پیغام صلح و ایمنی تشویق می‌کرد.

پیام «صلح و سلامتی» ادعا می‌کند که برای مردان و زنان ناممکن است که گناه نکنند؛ و بنابراین خدا فقط می‌تواند و خواهد توانست ایشان را «در» گناهانشان عادل بشمارد. آن مردان استهزاکننده ادعا می‌کنند که پیام «صلح و سلامتی» ایشان همان پیام حقیقی عادل‌شمردگی به‌وسیلهٔ ایمان است که جونز و واگنر عرضه کردند، اما این حقیقت را فرو می‌گذارد که هر که را خدا عادل می‌شمارد، همان را نیز تقدیس می‌کند؛ زیرا خدا نمرد تا مردم را در گناهانشان نجات دهد، بلکه تا ایشان را از گناهانشان نجات بخشد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز دورهٔ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را رقم زد؛ دوره‌ای که با این فرجام به پایان می‌رسد که یک طبقه مهر خدا را دریافت می‌کند، چنان‌که به‌وسیلهٔ کسانی نمود یافته است که برای رجاسات موجود در کلیسا و در سرزمین آه و ناله می‌کنند؛ و طبقه‌ای دیگر که پشت خود را به‌سوی هیکل گردانیده‌اند، جایی که عمل نهایی فرشتهٔ سوم در حال انجام است، و ایشان در برابر خورشید سجده می‌کنند. تاریخ میلری‌ها تاریخ حرکت فرشتهٔ سوم را به تصویر می‌کشد، و بدین‌سان اوج آن مربوط به پیام بارانِ آخر و تجربه‌ای است که در کسانی پدید می‌آورد که برمی‌گزینند بخورند.

ما این مطالعه را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.

«نخواستن وا گذاشتن عقاید از پیش پنداشته‌شده و پذیرفتن این حقیقت، در بنیاد بخش بزرگی از مخالفتی قرار داشت که در مینی‌اپولیس بر ضد پیام خداوند از طریق برادران واگنر و جونز ظاهر شد. شیطان با برانگیختن آن مخالفت، تا اندازه‌ای بسیار، کامیاب شد که آن قدرت ویژهٔ روح‌القدس را که خدا آرزومند بود به قوم ما عطا کند، از ایشان دریغ دارد. دشمن مانع شد که آنان آن کارایی‌ای را که می‌توانست از آن ایشان باشد در رساندن حقیقت به جهان به دست آورند؛ همان‌گونه که رسولان پس از روز پنتیکاست آن را اعلام کردند. آن نوری که باید تمام زمین را با جلال خود روشن سازد، مورد مقاومت قرار گرفت، و به سبب اقدام خود برادران ما، تا حد زیادی از جهان دور نگاه داشته شده است.» Selected Messages, book 1, 235.